

این سیاست را می‌توان به عنوان مشارکت و تعامل جدید چین با افغانستان توصیف کرد که یک بار دیگر توسط طالبان اداره می‌شود که شامل پنج عنصر اصلی است: ۱. پذیرش تسلط طالبان بر امور افغانستان به طور عملی و محتاطانه ۲. جلوگیری از اینکه افغانستان بار دیگر پناهگاه امن تروریست‌ها شود ۳. تسهیل یک سیاست فراگیر در کشور ۴. نشان دادن میزان بیشتری از توجهات و نگرانی‌های بشردوستانه و شرمندگی از اقدامات متحده و غرب به دلیل سلب مسئولیت از خود

## یک سیاست مشارکت جدید

چهار عاملی که در بالا بررسی شدند، ما را قادر می‌سازند تا برای تداوم و تغییرات سیاست چین پس از خروج ایالات متحده از افغانستان در اوت ۲۰۲۱ توضیح خوبی را ارائه بدهیم. این سیاست را می‌توان به عنوان مشارکت و تعامل جدید چین با افغانستان توصیف کرد که یک بار دیگر توسط طالبان اداره می‌شود که شامل پنج عنصر اصلی است: ۱. پذیرش تسلط طالبان بر امور افغانستان به طور عملی و محتاطانه ۲. جلوگیری از اینکه افغانستان بار دیگر پناهگاه امن تروریست‌ها شود ۳. تسهیل یک سیاست فراگیر در کشور ۴. نشان دادن میزان بیشتری از توجهات و نگرانی‌های بشردوستانه و شرمندگی از اقدامات متحده و غرب به دلیل سلب مسئولیت از خود. چهار عنصر اول، شامل تداوم روشنی از سیاست‌های گذشته است، اما همه آنها با میزانی از فوریت بیشتری پیش رفته‌اند. هدف از شرمسار کردن ایالات متحده اثبات انتقاد طولانی مدت چین از سیاست خارجی مداخله‌جویانه ایالات متحده و نیز سیخونک زدن به واشنگتن برای پذیرفتن مسئولیت بازسازی افغانستان پس از خروج بود. اگرچه چین در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ با دولت اول طالبان ارتباط نداشت، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ با این رژیم ارتباط برقرار کرد و از آن زمان تاکنون کانال‌های ارتباطی را حفظ کرده است. سفیر چین در پاکستان حتی در سال ۲۰۰۰ با ملا محمد عمر، رهبر طالبان ملاقات هم کرد [۱۷]. برخلاف ایالات متحده و برخی دیگر از کشورهای غربی، چین مدت‌ها بر این عقیده بوده که طالبان در عرصه سیاسی افغانستان، هم یک بازیگر اصلی است و هم خواهد بود و تلاش کرده است با خودداری از جانبداری آشکار از مواضع ایالات متحده و ناتو، از دشمنی با طالبان خودداری کند [۲، ص ۵۷۳]. اگرچه تصرف بسیار سریع قدرت توسط طالبان در اوت ۲۰۲۱ چین را هم به اندازه طالبان شگفت زده کرد، اما پکن لحظه‌ای در توانایی خود برای ایفای نقشی برجسته در امور افغانستان تردید نکرد. در ۲۸ ژوئیه، قبل از تسلط طالبان بر کابل، وانگ‌یی، مشاور دولتی و وزیر خارجه چین، یک هیأت بلند پایه افغان را به ریاست ملا عبدالغنی برادر، معاون رهبر طالبان به حضور پذیرفت. وانگ‌یی، طالبان را «یک نیروی محوری نظامی و سیاسی در افغانستان» توصیف و برای نخستین بار علناً و در انظار عمومی اعلام کرد چین، طالبان را به عنوان یک بازیگر قانونی و مسلط بر امور افغانستان می‌پذیرد [۲۰].

## مشروط بودن

با این حال چنین پذیرشی بر اساس زمینه‌های عمل‌گرایانه اتخاذ می‌شود و به نظر می‌رسد مشروط است به انتظاری که از تمایل و توانایی طالبان برای مبارزه با تروریسم و ایجاد یک راه حل سیاسی پایدار- یعنی عناصر دوم و سوم سیاست تعاملی جدید چین- وجود دارد. هر چه باشد، طالبان یک جنبش بنیادگرای اسلامی است که ذاتاً هیچ احترامی برای مفاهیم سکولار حق حاکمیت و تمامیت ارضی مرتبط با حکمرانی دولتی قائل نیست. احتیاط پکن از این واقعیت آشکار مشخص است که تا هنگام نوشته شدن این مقاله در فوریه ۲۰۲۲، هنوز از به رسمیت شناختن دولت جدید طالبان خودداری کرده است. همان طور که هیچ کشور دیگری در سراسر جهان هم این کار را نکرده است، چین هم هیچ عجله‌ای برای این کار ندارد، اما به رسمیت شناختن طالبان ممکن است اهرم فشاری علیه طالبان در مورد مسائل مهم مخصوصاً مبارزه با تروریسم و ثبات سیاسی باشد.